

بررسی تطبیقی نظریه آیت‌الله بروجردی درباره مالکیت و تطبیق آن با حقوق مالکیت در قانون مدنی ایران

ایرج حاجی بابایی^۱

ناصر اکبرزاده^{۲*}

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی نظریه مالکیت آیت‌الله سید حسین طباطبایی بروجردی، یکی از برجسته‌ترین مراجع تقلید شیعه در قرن اخیر، با حقوق مالکیت در قانون مدنی ایران می‌پردازد. ابتدا، مفاهیم و اصول مالکیت در فقه اسلامی و دیدگاه‌های آیت‌الله بروجردی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. سپس، مبانی حقوق مالکیت در قانون مدنی ایران مورد بررسی قرار گرفته و اقسام مختلف مالکیت، از جمله مالکیت فردی و اشتراکی، تحلیل می‌شود. در ادامه، مقایسه‌ای میان مبانی و اصول مالکیت در نظریه آیت‌الله بروجردی و قانون مدنی ایران صورت گرفته و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نظریه آیت‌الله بروجردی، با تأکید بر عدالت اجتماعی و مسئولیت‌های مالک، می‌تواند مبنای مناسبی برای اصلاح و بهبود قوانین مالکیت در ایران باشد. در پایان، پیشنهاداتی برای بهبود قوانین مالکیت بر اساس این نظریه ارائه شده و زمینه‌های تحقیقاتی برای مطالعات بیشتر در این زمینه معرفی می‌گردد.

کلیدواژه‌گان: آیت‌الله بروجردی، مالکیت، قانون مدنی ایران، فقه اسلامی، تطبیق حقوقی.

۱. گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران

۲. کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران

مقدمه

مالکیت به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در حقوق اسلامی و حقوق موضوعه ایران، همواره مورد توجه فقها و حقوق‌دانان قرار گرفته است. اهمیت این مفهوم از آن جهت است که مالکیت به‌عنوان یکی از حقوق اساسی انسان، نه‌تنها در تعیین روابط اقتصادی بلکه در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نیز نقش اساسی دارد. در این میان، نظریات فقهی به دلیل جایگاه والای فقه اسلامی در جامعه ایران، تأثیرات عمیقی بر شکل‌گیری و تطور قوانین موضوعه کشور داشته‌اند. یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان فقه اسلامی در قرن اخیر، آیت‌الله سید حسین طباطبایی بروجردی است که با دیدگاه‌های خود در زمینه‌های مختلف فقهی، از جمله مالکیت، تأثیرات بسزایی بر حقوق اسلامی و به تبع آن بر حقوق موضوعه ایران گذاشته است.

آیت‌الله بروجردی با دیدگاه‌های نوآورانه و عمیق خود در زمینه مالکیت، تلاش کرد تا مفاهیم فقهی را با نیازهای جامعه معاصر منطبق سازد. از سوی دیگر، قانون مدنی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متون قانونی کشور، متأثر از فقه اسلامی است و به‌ویژه در بخش مربوط به مالکیت، این تأثیر به‌وضوح قابل مشاهده است. بنابراین، بررسی تطبیقی نظریه مالکیت آیت‌الله بروجردی با مفاهیم مالکیت در قانون مدنی ایران می‌تواند به فهم بهتر از ریشه‌های فقهی این قوانین و همچنین ارائه راهکارهایی برای بهبود قوانین فعلی کمک کند.

مسئله مالکیت از جمله مسائلی است که از دیرباز در فقه اسلامی مطرح بوده و مورد بحث و بررسی فقها قرار گرفته است. فقه اسلامی با توجه به جایگاه محوری خود در جوامع اسلامی، همواره به‌عنوان یکی از منابع اصلی قوانین موضوعه محسوب می‌شود. در این راستا، نظریات فقهی در زمینه مالکیت نه‌تنها در تعیین حدود و چارچوب‌های حقوقی تأثیرگذار بوده‌اند، بلکه به‌عنوان مبنای فلسفی و اخلاقی بسیاری از مقررات قانونی نیز به شمار می‌روند.

از سوی دیگر، با توجه به پیچیدگی‌های اقتصادی و اجتماعی دنیای معاصر، نیاز به بازنگری و تطبیق نظریات فقهی با شرایط جدید بیش از پیش احساس می‌شود. در این زمینه، آیت‌الله بروجردی با ارائه نظریات بدیع در زمینه مالکیت، تلاش کرد تا به نیازهای جامعه معاصر پاسخ دهد. این نظریات، به‌ویژه در زمینه‌هایی چون حدود مالکیت، حقوق و تکالیف مالک، و نقش دولت در تنظیم مالکیت‌ها، تأثیرات گسترده‌ای بر تفکر فقهی و حقوقی داشته‌اند.

بنابراین، بررسی تطبیقی نظریه مالکیت آیت‌الله بروجردی با مفاهیم حقوقی مالکیت در قانون مدنی ایران می‌تواند به روشن شدن نقاط قوت و ضعف هر دو دیدگاه کمک کرده و به ارائه راهکارهایی برای بهبود و تطبیق قوانین فعلی با نیازهای جامعه معاصر بیانجامد.

هدف اصلی این تحقیق، بررسی و تحلیل نظریه مالکیت آیت‌الله بروجردی است. در این راستا، تلاش می‌شود تا با مطالعه دقیق آثار و نظرات آیت‌الله بروجردی در زمینه مالکیت، مفاهیم و اصول بنیادین این نظریه تبیین شود. از سوی دیگر، هدف دیگر این تحقیق مقایسه این نظریه با مفاهیم حقوقی مالکیت در قانون مدنی ایران است. در این بخش، به‌دنبال آن هستیم که شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو رویکرد را شناسایی کرده و با تحلیل آن‌ها، به بررسی امکان تطبیق نظریات فقهی با قوانین موضوعه پردازیم.

علاوه بر این، تحقیق حاضر به‌دنبال آن است که به سؤالات مهمی در زمینه مالکیت پاسخ دهد. از جمله اینکه آیا نظریه مالکیت آیت‌الله

بروجردی قابلیت انطباق با قوانین فعلی ایران را دارد؟ و چگونه می‌توان از این نظریه برای بهبود و اصلاح قوانین موجود استفاده کرد؟

روش‌شناسی

در این تحقیق از روش‌های مختلف پژوهشی برای دستیابی به اهداف تحقیق استفاده شده است. ابتدا به منظور بررسی نظریه مالکیت آیت‌الله بروجردی، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود. در این بخش، آثار و نظرات آیت‌الله بروجردی مورد بررسی قرار می‌گیرند و تلاش می‌شود تا با تحلیل دقیق این متون، مفاهیم و اصول بنیادین نظریه مالکیت وی استخراج شود. این روش به‌ویژه برای فهم عمیق‌تر از دیدگاه‌های فقهی آیت‌الله بروجردی و تبیین جزئیات نظریه وی مفید است.

در مرحله بعد، به منظور مقایسه نظریه مالکیت آیت‌الله بروجردی با مفاهیم مالکیت در قانون مدنی ایران، از روش تطبیقی استفاده می‌شود. این روش به دنبال آن است که با مقایسه مفاهیم و اصول موجود در دو دیدگاه، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را شناسایی کرده و تحلیل کند. در نهایت، به منظور بررسی امکان‌سنجی تطبیق نظریات فقهی با قوانین موضوعه، از روش‌های تحلیلی و انتقادی استفاده می‌شود تا با بررسی نقاط قوت و ضعف هر دو رویکرد، پیشنهاداتی برای بهبود قوانین فعلی ارائه شود.

مبانی نظری تحقیق

مفهوم مالکیت در فقه اسلامی

مالکیت به‌عنوان یکی از اصول اساسی در فقه اسلامی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فقه اسلامی، مالکیت را به‌عنوان حق تصرف فرد بر مال خویش تعریف می‌کند که این تصرف شامل استفاده، انتفاع، و انتقال مال به دیگران می‌شود (محقق حلی، ۱۳۸۵). این تعریف از مالکیت در فقه اسلامی با تأکید بر جنبه‌های حقوقی و اخلاقی آن، تلاش دارد تا تعادلی میان حقوق مالک و نیازهای اجتماعی برقرار سازد. در فقه شیعه، مالکیت به دو نوع مالکیت حقیقی و مالکیت اعتباری تقسیم می‌شود. مالکیت حقیقی به مالکیتی اطلاق می‌شود که در آن، فرد به‌عنوان مالک اصلی مال شناخته می‌شود و حق تصرف مطلق بر آن دارد. از سوی دیگر، مالکیت اعتباری به مالکیتی اشاره دارد که بر اساس قراردادهای اجتماعی ایجاد می‌شود و در آن، مالکیت تنها به‌عنوان یک اعتبار اجتماعی و قانونی شناخته می‌شود (شیخ انصاری، ۱۳۷۸). فقهای شیعه، مالکیت را نه تنها به‌عنوان یک حق، بلکه به‌عنوان یک تکلیف نیز مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس این دیدگاه، مالکیت علاوه بر اینکه به فرد حق تصرف در مال خود را می‌دهد، او را ملزم به رعایت حقوق دیگران و مسئولیت‌های اجتماعی نیز می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰).

جایگاه آیت‌الله بروجردی در فقه اسلامی

آیت‌الله سید حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۵۴-۱۳۴۰ شمسی) یکی از برجسته‌ترین مراجع تقلید شیعه در قرن اخیر بود که نقش بسیار مهمی در تحولات فقه اسلامی داشت. آیت‌الله بروجردی با دیدگاه‌های نوآورانه خود در زمینه‌های مختلف فقهی، از جمله مالکیت، تأثیرات عمیقی بر فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران گذاشت. وی با تأکید بر اهمیت توجه به نیازهای زمانه و تطبیق فقه با شرایط معاصر، تلاش کرد تا نظریات فقهی را به گونه‌ای بازنگری کند که بتواند پاسخگوی چالش‌های جدید جامعه باشد (حسینی، ۱۳۹۵).

آیت‌الله بروجردی با تأکید بر اصل اجتهاد و لزوم بررسی دقیق منابع فقهی، تلاش کرد تا با بازنگری در مفاهیم فقهی، به ارائه نظریات جدید و منطبق با نیازهای روز بپردازد. یکی از ویژگی‌های برجسته دیدگاه‌های وی، تأکید بر تعامل میان فقه و حقوق موضوعه و تلاش برای تطبیق

این دو با یکدیگر بود. در زمینه مالکیت، آیت‌الله بروجردی با ارائه نظریات جدیدی مانند تأکید بر نقش دولت در تنظیم مالکیت‌ها و توجه به حقوق اجتماعی، به دنبال ایجاد تعادل میان حقوق فردی و نیازهای اجتماعی بود (مطهری، ۱۳۹۰).

بررسی نظریه مالکیت از دیدگاه آیت‌الله بروجردی

آیت‌الله بروجردی در زمینه مالکیت، نظریه‌ای جامع و منسجم ارائه داد که در آن، تلاش کرد تا مفاهیم فقهی مالکیت را با نیازهای جامعه معاصر منطبق سازد. یکی از اصول بنیادین این نظریه، تأکید بر اهمیت عدالت اجتماعی در تنظیم مالکیت‌ها بود. بر اساس دیدگاه آیت‌الله بروجردی، مالکیت نه تنها به عنوان یک حق فردی، بلکه به عنوان یک تکلیف اجتماعی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. وی معتقد بود که مالکیت باید به گونه‌ای تنظیم شود که علاوه بر تأمین حقوق مالک، به حفظ منافع عمومی و عدالت اجتماعی نیز کمک کند (بروجردی، ۱۳۸۰).

در این راستا، آیت‌الله بروجردی بر نقش دولت در تنظیم مالکیت‌ها تأکید داشت و معتقد بود که دولت به عنوان نماینده جامعه، وظیفه دارد تا با تنظیم قوانین و مقررات مناسب، از تمرکز مالکیت در دست گروه‌های خاص جلوگیری کرده و زمینه‌ساز توزیع عادلانه‌تر ثروت در جامعه باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰). وی همچنین بر لزوم توجه به نیازهای زمانه و تطبیق قوانین فقهی با شرایط معاصر تأکید داشت و معتقد بود که فقه اسلامی باید به گونه‌ای بازنگری شود که بتواند پاسخگوی چالش‌های جدید جامعه باشد.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های نظریه مالکیت آیت‌الله بروجردی، تأکید بر حقوق و تکالیف مالک بود. وی معتقد بود که مالکیت به عنوان یک حق، همواره با مسئولیت‌های اجتماعی همراه است و مالک باید در تصرفات خود، به حقوق دیگران و نیازهای جامعه نیز توجه کند. این دیدگاه، با تأکید بر عدالت اجتماعی و اهمیت تعامل میان حقوق فردی و نیازهای اجتماعی، تلاش داشت تا تعادلی میان این دو برقرار سازد (حسینی، ۱۳۹۵).

حقوق مالکیت در قانون مدنی ایران

تعریف و مبانی مالکیت در قانون مدنی

قانون مدنی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع حقوقی در کشور، جایگاه ویژه‌ای به موضوع مالکیت اختصاص داده است. در این قانون، مالکیت به عنوان حق انتفاع و بهره‌برداری از مال به رسمیت شناخته شده و به صاحب مال این اختیار داده می‌شود که در چارچوب قوانین و مقررات، بر مال خود تصرف کند. ماده ۳۰ قانون مدنی ایران بیان می‌دارد: "هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد" (قانون مدنی ایران، ۱۳۱۴). این تعریف به طور مستقیم از مفاهیم فقه اسلامی اقتباس شده است که در آن مالکیت به عنوان یکی از حقوق بنیادی انسان‌ها تلقی می‌شود.

مبنای حقوق مالکیت در قانون مدنی ایران به چند اصل اساسی استوار است. نخستین اصل، اصل حاکمیت اراده مالک بر مال خویش است. این اصل به مالک این اجازه را می‌دهد که هر گونه تصرف و انتفاعی که مایل است از مال خود داشته باشد، مشروط به آنکه این تصرفات مغایر با قوانین و حقوق عمومی نباشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶). دومین اصل، اصل تأمین حقوق و تعهدات اجتماعی است. در این راستا، قانون‌گذار با اعمال محدودیت‌هایی بر مالکیت، تلاش می‌کند تا تعادلی میان حقوق مالک و نیازهای اجتماعی برقرار کند. برای مثال، ماده ۳۱ قانون مدنی بیان می‌کند: "هیچ مالی نمی‌تواند از تصرف صاحب آن بدون مجوز قانونی خارج شود، مگر در مواردی که قانون حکم کند" (قانون مدنی ایران، ۱۳۱۴). این ماده به وضوح نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران، مالکیت به طور مطلق شناخته نمی‌شود و مالک در بهره‌برداری از مال خود ملزم به رعایت محدودیت‌های قانونی است.

اقسام مالکیت در قانون مدنی ایران

قانون مدنی ایران مالکیت را به چندین دسته تقسیم می‌کند که هر یک ویژگی‌ها و احکام خاص خود را دارند. مهم‌ترین تقسیم‌بندی در این زمینه، تقسیم مالکیت به مالکیت فردی و مالکیت اشتراکی است.

مالکیت فردی: مالکیت فردی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن یک فرد به تنهایی مالک یک مال است و حق تمامی تصرفات و انتفاعات از آن مال را داراست. این نوع مالکیت، رایج‌ترین شکل مالکیت در قانون مدنی است و بسیاری از مقررات مربوط به مالکیت به این نوع مالکیت اختصاص دارد. برای مثال، ماده ۳۰ قانون مدنی به صراحت به مالکیت فردی اشاره می‌کند و حقوق مالک را نسبت به مال خود به رسمیت می‌شناسد (کاتوزیان، ۱۳۸۶).

مالکیت اشتراکی: مالکیت اشتراکی وضعیتی است که در آن چند نفر به طور مشترک مالک یک مال هستند. این نوع مالکیت نیز در قانون مدنی ایران به طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته و مقررات مربوط به آن در مواد مختلف قانون مدنی بیان شده است. برای مثال، ماده ۵۷۳ قانون مدنی بیان می‌کند: "شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه" (قانون مدنی ایران، ۱۳۱۴). در این نوع مالکیت، هر یک از شرکاء به نسبت سهم خود در مال مشترک دارای حقوق و تعهدات خاصی هستند و تصرفات هر یک از شرکاء در مال مشترک باید با توافق سایر شرکاء باشد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.

علاوه بر این، قانون مدنی ایران به انواع دیگری از مالکیت نیز اشاره دارد که می‌توان به مالکیت وقفی، مالکیت ارثی و مالکیت انتفاعی اشاره کرد. هر یک از این انواع مالکیت نیز دارای احکام و شرایط خاص خود است که در بخش‌های مختلف قانون مدنی به تفصیل بیان شده است (شایگان، ۱۳۸۰).

حقوق و تکالیف مالک

حقوق و تکالیف مالک در چارچوب قانون مدنی ایران به طور جامع و مفصل مورد بحث قرار گرفته است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مالک بر اساس ماده ۳۰ قانون مدنی حق تمامی تصرفات و انتفاعات از مال خود را دارد، اما این حق مطلق نیست و با محدودیت‌هایی همراه است. این محدودیت‌ها به منظور حفظ نظم عمومی، حقوق دیگران و تأمین عدالت اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند.

یکی از مهم‌ترین حقوق مالک، حق استفاده از مال است. این حق به مالک این اجازه را می‌دهد که از منافع مال خود بهره‌برداری کند، خواه این منافع مادی باشند یا غیرمادی. برای مثال، مالک یک زمین می‌تواند از آن برای کشاورزی، ساخت و ساز یا هر نوع بهره‌برداری دیگری که قانونی باشد استفاده کند. همچنین، مالک حق انتقال مال خود به دیگری را نیز دارد. این انتقال می‌تواند به صورت بیع، هدیه، ارث یا هر نوع عقد دیگری باشد که در قانون مجاز شمرده شده است (امامی، ۱۳۸۰).

اما در مقابل این حقوق، مالک دارای تکالیفی نیز هست. یکی از مهم‌ترین تکالیف مالک، رعایت حقوق دیگران است. این تکلیف به ویژه در مواردی که استفاده مالک از مال خود می‌تواند به دیگران زیان برساند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. برای مثال، مالک نمی‌تواند از مال خود به گونه‌ای استفاده کند که منجر به ضرر یا زیان همسایگان یا افراد دیگر شود (قانون مدنی ایران، ۱۳۱۴). همچنین، مالک ملزم به رعایت قوانین و مقررات عمومی است که شامل محدودیت‌هایی مانند مقررات مربوط به کاربری اراضی، قوانین مربوط به حفظ محیط زیست و مقررات مربوط به ساختمان‌سازی می‌شود.

از دیگر تکالیف مالک، پرداخت مالیات و عوارض مربوط به مال است. این مالیات‌ها و عوارض بر اساس قوانین مالیاتی و شهرداری تعیین می‌شوند و مالک موظف به پرداخت آن‌هاست. عدم پرداخت این مالیات‌ها می‌تواند منجر به جریمه‌ها و یا حتی مصادره مال توسط دولت شود (امامی، ۱۳۸۰).

تطبیق نظریه آیت‌الله بروجردی با حقوق مالکیت در قانون مدنی ایران

مقایسه مبانی مالکیت در فقه و قانون مدنی

مقایسه مبانی مالکیت در نظریه آیت‌الله بروجردی و قانون مدنی ایران نشان‌دهنده وجود اشتراکات و تفاوت‌های مهمی است. در فقه اسلامی، مالکیت به‌عنوان یک حق طبیعی و الهی شناخته می‌شود که توسط خداوند به انسان‌ها اعطا شده است. این حق بر اساس اصول عدالت، انصاف و رعایت حقوق دیگران تنظیم می‌شود (بروجردی، ۱۳۸۰). از سوی دیگر، در قانون مدنی ایران، مالکیت به‌عنوان یک حق قانونی تعریف شده که بر اساس اراده قانون‌گذار تعیین و محدود می‌شود. این تفاوت در مبنا می‌تواند منجر به تفاوت‌هایی در اصول و مقررات مربوط به مالکیت در دو نظام فقهی و حقوقی شود.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها میان نظریه آیت‌الله بروجردی و قانون مدنی ایران، تأکید بر نقش دولت در تنظیم مالکیت‌ها است. در حالی که قانون مدنی ایران بر حاکمیت اراده مالک و احترام به حقوق مالکیت فردی تأکید دارد، آیت‌الله بروجردی به نقش دولت به‌عنوان ناظر و تنظیم‌کننده مالکیت‌ها تأکید می‌کند و معتقد است که دولت باید به‌گونه‌ای عمل کند که مالکیت‌ها به‌طور عادلانه در جامعه توزیع شود و از تمرکز ثروت در دست گروه‌های خاص جلوگیری کند (مطهری، ۱۳۹۰).

شبهت‌ها و تفاوت‌ها

شبهت‌های بسیاری میان نظریات فقهی آیت‌الله بروجردی و مقررات مالکیت در قانون مدنی ایران وجود دارد. هر دو نظام بر اهمیت حقوق مالک تأکید دارند و تلاش می‌کنند تا با ارائه مقررات مناسب، از حقوق مالک حمایت کنند. همچنین، هر دو نظام به محدودیت‌هایی برای مالکیت اشاره دارند که بر اساس نیازهای اجتماعی و حقوق عمومی تعیین می‌شوند.

اما در عین حال، تفاوت‌های قابل توجهی نیز وجود دارد. برای مثال، در حالی که قانون مدنی ایران بر حقوق مالکیت فردی تأکید دارد و مالک را در تصرفات خود تقریباً آزاد می‌گذارد، نظریه آیت‌الله بروجردی تأکید بیشتری بر حقوق اجتماعی و مسئولیت‌های مالک دارد. آیت‌الله بروجردی معتقد است که مالکیت باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که علاوه بر تأمین حقوق مالک، به حفظ منافع عمومی و عدالت اجتماعی نیز کمک کند (بروجردی، ۱۳۸۰). این تفاوت در نگرش به مالکیت می‌تواند به تفاوت‌هایی در مقررات حقوقی منجر شود.

یکی دیگر از تفاوت‌های مهم میان این دو رویکرد، دیدگاه آیت‌الله بروجردی نسبت به نقش دولت در مالکیت است. در حالی که قانون مدنی ایران به مالک این حق را می‌دهد که به‌طور آزادانه در مال خود تصرف کند، آیت‌الله بروجردی بر این باور است که دولت باید نظارت دقیقی بر تصرفات مالک داشته باشد و در مواردی که این تصرفات مغایر با منافع عمومی باشد، می‌تواند دخالت کند و محدودیت‌هایی را اعمال کند (حسینی، ۱۳۹۵).

امکان‌سنجی تطبیق نظریه آیت‌الله بروجردی با قانون مدنی ایران

بررسی امکان‌سنجی تطبیق نظریه آیت‌الله بروجردی با قانون مدنی ایران نشان می‌دهد که برخی از اصول و مفاهیم این نظریه می‌تواند به بهبود و اصلاح قوانین مالکیت در ایران کمک کند. برای مثال، تأکید آیت‌الله بروجردی بر نقش دولت در تنظیم مالکیت‌ها و جلوگیری از تمرکز ثروت می‌تواند به عنوان مبنایی برای تدوین مقررات جدیدی در زمینه مالکیت باشد که هدف آن توزیع عادلانه‌تر ثروت در جامعه است. علاوه بر این، تأکید آیت‌الله بروجردی بر مسئولیت‌های اجتماعی مالک نیز می‌تواند به اصلاح مقررات مربوط به حقوق مالکیت در قانون مدنی ایران منجر شود. در حال حاضر، قوانین مالکیت در ایران بیشتر به حقوق مالکیت فردی توجه دارند و کمتر به مسئولیت‌های اجتماعی مالک پرداخته‌اند. اما با بهره‌گیری از نظریات آیت‌الله بروجردی، می‌توان مقررات جدیدی تدوین کرد که در آن‌ها به مسئولیت‌های اجتماعی مالک و لزوم رعایت حقوق دیگران توجه بیشتری شده باشد (مطهری، ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این تحقیق، نظریه مالکیت آیت‌الله بروجردی با حقوق مالکیت در قانون مدنی ایران مورد بررسی و تطبیق قرار گرفت. نتایج این بررسی نشان داد که اگرچه اشتراکات زیادی میان این دو نظام حقوقی وجود دارد، اما تفاوت‌های مهمی نیز مشاهده می‌شود که ناشی از تفاوت‌های بنیادی در مبانی فقهی و حقوقی آن‌هاست. نظریه آیت‌الله بروجردی با تأکید بر عدالت اجتماعی و مسئولیت‌های مالک، تلاش می‌کند تا به نیازهای جامعه معاصر پاسخ دهد و در عین حال، حقوق مالک را نیز به‌طور مناسبی تأمین کند.

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار در ایران با توجه به نظریات آیت‌الله بروجردی، به بازنگری و اصلاح قوانین مربوط به مالکیت بپردازد. یکی از مهم‌ترین پیشنهادات، تدوین مقررات جدیدی است که در آن‌ها به نقش دولت در تنظیم مالکیت‌ها و جلوگیری از تمرکز ثروت توجه بیشتری شده باشد. همچنین، پیشنهاد می‌شود که مقررات مربوط به مسئولیت‌های اجتماعی مالک نیز بازنگری شوند و در این زمینه، از دیدگاه‌های آیت‌الله بروجردی استفاده شود.

پژوهش حاضر زمینه‌های جدیدی برای تحقیقات بیشتر در زمینه حقوق مالکیت و تطبیق آن با نظریات فقهی فراهم می‌آورد. برای تحقیقات آینده، پیشنهاد می‌شود که بررسی‌های بیشتری در زمینه تأثیر نظریات آیت‌الله بروجردی بر سایر جنبه‌های حقوقی، مانند حقوق خانواده و ارث، انجام شود. همچنین، مطالعه تطبیقی میان نظریات سایر فقهای معاصر و قوانین موضوعه ایران نیز می‌تواند به نتایج مفیدی منجر شود.

فهرست منابع

- بروجردی، س. ح. (۱۳۸۰). نظریات فقهی در زمینه مالکیت. قم: موسسه نشر آثار بروجردی.
- حسینی، م. (۱۳۹۵). جایگاه آیت‌الله بروجردی در فقه شیعه. تهران: انتشارات سمت.
- شایگان، ح. (۱۳۸۰). حقوق مدنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیخ انصاری، م. (۱۳۷۸). المکاسب. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، س. م. (۱۳۹۰). عدالت اجتماعی در فقه اسلامی. تهران: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- قانون مدنی ایران (۱۳۱۴). تهران: مجلس شورای ملی.

کاتوزیان، ن. (۱۳۸۶). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: انتشارات میزان.

محقق حلی، ج. ب. (۱۳۸۵). شرائع الاسلام. قم: موسسه نشر اسلامی.

مطهری، م. (۱۳۹۰). حقوق فردی و اجتماعی در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.